

جایگاه تقریب در منظومه فکری علامه امینی



بی تردید، علامه شیخ عبدالحسین امینی یکی از برجسته‌ترین پژوهشگران و اندیشمندان جهان اسلام است. اینکه برای تدوین یک اثر، 10 هزار عنوان کتاب را بررسی کنی و شهر به شهر و کشور به کشور، در پی اسناد و مدارک باشی، عزمی به بلندای قله‌های رفیع می‌خواهد.

طی کردن راهی که علامه امینی برای تدوین و تألیف «الغدیر» پیمود، جز با پای عشق میسر نبود. نتیجه این تلاش عاشقانه و تحقیق عالمانه، اثری است که تشنگان حقیقت را از زلال معرفت سیراب می‌کند و بذر آگاهی را در دل رهپویان اندیشه و پژوهش می‌پاشد. «الغدیر»، اثر جاودانه علامه امینی، تنها دایرة‌المعارفی برای اثبات یک واقعه تاریخی نیست، بلکه گنجینه‌ای از معارف ناب اسلامی است که به تمامی مسلمانان تعلق دارد. زادگاه پدیدآورنده «الغدیر»، تبریز بود.

علامه امینی در سال 1281 ه.ش، چهار سال پیش از انقلاب مشروطه، در این شهر به دنیا آمد. او مقدمات را نزد پدر فاضلش آموخت و سپس، به مدرسه «طالبیه» تبریز رفت. مدتی بعد، برای تکمیل دانش راهی نجف اشرف شد و در حوزه علمیه این شهر، به تحصیل پرداخت. از استادان علامه در آن دوره، می‌توان به آیت‌الله سیدمحمد فیروزآبادی و آیت‌الله سیدابوتراب خوانساری اشاره کرد. علامه امینی، خیلی زود به درجه اجتهاد رسید و بزرگانی همچون آیت‌الله سیدابوالحسن اصفهانی، بر اجتهاد وی مهر تأیید زدند.

چرایی تألیف «الغدیر»

حجت‌الاسلام مرتضی فرج‌پور، یکی از شارحان «الغدیر»، در مصاحبه‌ای با خبرگزاری «فارس»، درباره دلیل نگارش این کتاب سترگ می‌گوید: «زمانی که مرحوم علامه امینی در کتاب‌های موجود، مطالعاتی انجام دادند و مظلومیت اهل بیت (ع) را مشاهده کردند، خود را موظف به دفاع از مکتب اهل بیت(ع) دیدند و شروع به نوشتن الغدیر کردند.» واقعیت آن است که تا زمان تألیف «الغدیر»، اثری درخور که در برگیرنده احادیث نقل شده در آثار علمای اهل سنت در این زمینه باشد، تألیف نشده بود. خلأ ناشی از فقدان چنین اثری بود که علامه امینی را تشویق به تألیف «الغدیر» کرد.

او با پرهیز از مجادله و نیز خودداری از پرداختن به مسائل حاشیه‌ای و اختلاف برانگیز، با دقتی زایدالوصف، به مطالعه و تحقیق، برای تألیف کتاب، پرداخت. علامه امینی، ابتدا به مطالعه کتاب‌ها و منابع موجود در کتابخانه‌های جهان اسلام پرداخت و حدود 10 هزار جلد کتاب را، از ابتدا تا انتها، مطالعه کرد. آن‌گاه به طبقه‌بندی میلیون‌ها فیش تحقیقی و یادداشت‌های خود، از این آثار، مشغول شد. تهیه این یادداشت‌ها، کاری سخت، سنگین و طاقت‌فرسا بود. بسیار پیش می‌آمد که علامه امینی، اجازه تهیه تصویری از کتاب یا بیرون بردن آن از کتابخانه را پیدا نمی‌کرد؛ آن‌گاه مجبور بود کتاب را استنساخ کند؛ کاری که امروزه حتی تصورش مشکل است.

عارف شاکری، پسر مرحوم حاج حسین شاکری (از دوستان علامه امینی و تولیت پیشین کتابخانه ایشان در نجف) در این باره حکایتی از پدر خود نقل می‌کند و می‌گوید: «وقتی علامه امینی تألیف الغدیر را شروع کرد، برای تهیه مصادر کتاب به مسافرت رفت. در دمشق کتابخانه‌ای به نام «ظاهریه» بود، علامه امینی شنیده بود در آن جا منابع ارزشمندی از اهل سنت وجود دارد. پدرم می‌گوید: به کتابخانه ظاهریه رفتم، دیدم علامه امینی بسیار خسته است، وقتی مرا دید گریه کرد و گفت: من از خدا می‌خواستم کسی را برای کمک بفرستد که شما آمدید. ایشان در مدت 10 روز، بیش از 1500 صفحه را با خط خود نوشت. استنساخ در آن زمان مانند الان نبود؛ کار بسیار مشکلی بود و دیگران برای این امور از کتاب‌ها فیلم

می‌گرفتند. علامه بسیار خسته شده بود.

پدرم به علامه گفته بود: من همه مخارج فیلم‌های این نسخه‌برداری را تأمین می‌کنم. لذا تصمیم می‌گیرد، دستگاهی برای تهیه فیلم از کتاب‌ها خریداری کند، اما به خاطر شیعه بودن پدرم، به ایشان اجازه این کار را ندادند.» علامه پس از مطالعه و تحقیق در کتابخانه‌های عراق و ایران، به هندوستان رفت و تمام کتابخانه‌های کوچک و بزرگ را در حیدرآباد، دکن، الیگره، لکنهو، کانپور، جلالی و رامپور زیر پا گذاشت. او در سال 1343، به سوریه رفت و در کتابخانه‌های قدیمی این کشور، در شهرهای حلب، حمص و دمشق، به بررسی کتاب‌ها و اسناد موجود پرداخت. وی پس از آن، در سال 1346، راهی ترکیه شد و از کتاب‌ها و نسخ خطی موجود در این کشور نیز، نسخه‌برداری کرد.

علامه امینی برای دستیابی به اسناد بیشتر، مدتی به مصر رفت و در کتابخانه‌های قاهره و فوعه به تحقیق و پژوهش پرداخت. او شرح این سفرهای طولانی و سخت پژوهشی را در کتابی دو جلدی، با عنوان «ثمرات الاسفار الی الامطار»، به رشته تحریر درآورده است.

روایت یک مجاهدت

علامه امینی، گاه ناچار می‌شد، برای نسخه‌برداری از کتاب‌ها، شب را در کتابخانه بماند و با هوای گرم و تاریکی آن کنار بیاید و در نور شمع یا چراغی کوچک، کار نسخه‌برداری را ادامه دهد. این تلاش بی‌وقفه، سلامت علامه را به مخاطره می‌انداخت، اما او حاضر به متوقف کردن تحقیق و پژوهش نبود. تلاش‌ها و مجاهدت‌های او در این راه، امروزه برای محققانی که به فناوری‌های نوین مجهز هستند، به امری غیرممکن شبیه است.

او خود درباره چگونگی جمع‌آوری اسناد می‌گوید: «آن وقت‌ها، در نجف نه پنکه بود و نه وسایل سردکننده دیگر. در آن شرایط سخت، من هر روز برای مطالعه به حسینیه شوشتری‌ها می‌رفتم که تعدادی کتاب ارزشمند کهن در آن یافت می‌شد. زمانی که کتابخانه تعطیل می‌شد، به کتابدار می‌گفتم: مطالعه من هنوز تمام نشده است. تو می‌خواهی بروی، برو، ولی اجازه بده من بمانم و مطالعه‌ام را ادامه بدهم. او در حسینیه را می‌بست و می‌رفت و مرا در کتابخانه تنها می‌گذاشت و من ساعت‌های دراز روی کتاب‌ها می‌افزادم و مطالعه می‌کردم و یادداشت برمی‌داشتم. غرق شدن در مطالعه، مرا به کلی از گذشت زمان غافل می‌کرد و تنها زمانی به خود می‌آمدم که می‌دیدم قالی که روی آن نشسته‌ام (از ریزش مداوم عرق) کاملاً خیس شده و بدنم (همچون بیمار تب زده) از گرمای شدید فضای بسته کتابخانه،

بدون شک این سعی بلیغ، ریشه در عشق و ارادت خالصانه او به اهل بیت(ع) داشت. علامه امینی در این کتاب ارزشمند، سند روایی واقعه غدیر را با استفاده از منابع اهل سنت، از 110 صحابه پیامبر اکرم(ص) و 84 نفر از تابعین، نقل و 360 راوی حدیث غدیر از اهل سنت را، از قرن دوم تا قرن چهاردهم هجری قمری معرفی کرده است. کار بزرگ علامه، برای علمای جهان اسلام چنان تحسین برانگیز بود، که ده‌ها تقریب بر این کتاب نوشته شد و علمایی چون محمد عبدالغنی حسن، عادل غضبان و دکتر عبدالرحمان کیالی به تمجید آن پرداختند.

منادی تقریب

حمایت علامه از نهضت حضرت امام خمینی(ره)، پس از قیام خونین 15 خرداد، خود نشان‌دهنده توجه جدی او به مسائل روز جهان اسلام است. علامه امینی با نگارش کتاب «شهداء الفضیله» و یادکرد از زندگی 100 نفر از علمای شیعه، که از قرن چهارم تا قرن چهاردهم هجری قمری به شهادت رسیده بودند، مبنای مشی فکری خویش در عرصه مبارزه با طاغوت و ایستادگی در راه اعتقاد را، عیان کرد. او از مشوقان اصلی شهید نواب صفوی برای مقابله با انحرافات کسروی و شرایط خطرناک ناشی از حاکمیت رژیم پهلوی در ایران بود.

نامه‌ها و بیانیه‌های او که به مناسبت‌های مختلف انتشار می‌یافت، هر یک گواهی‌دهنده اهتمام این مرد بزرگ به موضوع اساسی وحدت امت اسلامی است. علامه، مکتب تشیع را پیشگام وحدت معرفی می‌کرد و در جلد هشتم کتاب الغدیر، ذیل عنوان «الغدیر یوجد الصفوف فی الملاء الاسلامی» به صورت خاص به بیان تلاش‌های شیعیان برای تحقق وحدت اسلامی پرداخت و در پاسخ به برخی تهمت‌ها نوشت: «شیعه بلااستثنا، برای نفوس و خون و حیثیت و مال عموم مسلمین اعم از شیعه و سنی احترام قائل است. هر وقت مصیبتی برای عالم اسلام در هر کجا و هر منطقه و برای هر فرقه پیش آمده است، در غم آن‌ها شریک بوده است. شیعه هرگز اخوت اسلامی را، که در قرآن و سنت به آن تصریح شده، محدود به جهان تشیع نکرده و در این جهت فرقی میان شیعه و سنی قائل نشده است.»

